

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهاردهم 99/08/11

اهل سنت موافق سنت یا مخالف سنت؟!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

حضور در بین اهل سنت و همراهی با آنان در برخی مراسم (مثل تشییع جنازه) چه صورتی دارد؟

پاسخ:

یکی از راههای نشر فرهنگ اهل بیت حضور در مساجد آنها است. وقتی که آدم آنجا می رود اخلاق خوب نشان بدهد و مطالبی را مطرح می کند؛ چه بسا بدبینی ها و شبهات آنها را باهمین ورود در مساجدشان آدم بر طرف می کند.

پرسش:

حکومت خلفاء و خلیفه اولی چه مدتی بود؟

پاسخ:

خلافت اولی کاملاً مشخص است؛ تقریباً دو سال و اندی خلافت ابوبکر بوده. و دوازده سال و اندی هم خلیفه دوم خلافت کرده است.

خلافت ابوبکر دو سال چند ماه؛ یعنی از سال یازدهم تا سیزدهم بود. خلافت عمر هم از سال سیزدهم تا بیست و سوم بود. خلافت عثمان هم از سال بیست و سوم هجری تا سال سی و پنجم هجری بوده است. مجموعاً بیست و پنج سال خلافت کردند.

در مورد خلافت عمر «ابن قتیبه دینوری» در کتاب «المعارف» (تحقیق: ثروت عکاشه، الهيئة المصرية العامة للكتاب، القاهرة) خودش جلد 1 صفحه 182-183 مفصل مطرح کرده است. همچنین «یعقوبی» در کتاب خودش در جلد دوم صفحه 153 مطرح می‌کند.

خلافت عثمان هم که کاملاً مشخص است. حدود دوازده سال خلافت عثمان طول کشید و آن همه مسائل پیش آمد، «تاریخ الخلفاء» (تحقیق: حمدي الدمرداش، مكتبة نزار مصطفى الباز) صفحه 117-130 آورده است. خلافت حضرت امیر (سلام الله علیه) بیشتر از پنج سال طول نکشید.

پرسش: آیا اقتداء به اهل سنت در نماز جائز است؟

پاسخ:

آقایان فقهاء بعضی‌هایشان که اقتداء به اهل سنت را مجزی می‌دانند مثل حضرت «امام (رضوان الله تعالی علیه)» می‌گویند پشت سر این‌ها نماز خواندن کاملاً مجزی است، هیچ مشکلی ندارد. و بعضی از بزرگان احتیاط کرده و قائل به اعاده آن نماز هستند.

در هر حال اصل اینکه با آن‌ها نماز بخوانیم اتفاق نظر است؛ ولی مجزی بودن و یا مجزی نبودن و اینکه بعداً اعاده کنیم و یا اعاده نکنیم آن بحث جدایی است.

پرسش: منظور از وحدت شیعه و اهل سنت چیست؟

پاسخ:

در مورد وحدت شیعه و اهل سنت، همچنانکه که مرحوم «شهید مطهری» در کتاب «امامت» خودش آورده عمل کنیم، ایشان می‌فرماید: "مراد از وحدت، شیعه کردن سنی و یا سنی کردن شیعه نیست."

«وحدت اسلامی متوقف بر این نیست که فرق و مذاهب از میان برود.»

مرتضی مطهری (شهادت 1358 ه ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ج 25 ص 38.

«طرفداری از وحدت اسلامی ایجاب نمی‌کند که حقایق کتمان شود. آنچه ایجاب می‌کند، اولاً توحید صفوف در برابر دشمن است و ثانیاً حفظ زبان از دشنام است»

مرتضی مطهری (شهادت 1358 ه ش)، یادداشت‌های استاد شهید مطهری، ج 6 / ص 396.

بحث سر این است که در مباحث و گفتگو و ... نسبت به یکدیگر اهانت نکنیم، سب یک دیگر نکنیم، احساسات و عواطف یکدیگر را جریحه دار نکنیم، باعث اختلاف و درگیری نشویم. آن‌ها مذهب و عقیده خودشان را دارند، طبق نظر بزرگان‌شان عمل می‌کنند، شیعه هم طبق نظر بزرگان‌شان عمل می‌کنند. هرچه که است اگر واقعا اهل سنت به این نتیجه رسیده باشند که ادله آن‌ها قانع کننده است و حجت برایشان تمام شده، حرفی نیست. و اگر حجت تمام شده بر اینکه حق با اهل بیت است، حق با شیعه است قطعاً عملشان مجزی نیست فردای قیامت مسئول هستند.

پرسش:

نماز جمعه هم حکم جماعت را دارد؟

پاسخ:

بله، نماز جمعه هم حکم جماعت را دارد هیچ فرقی ندارد.

پرسش:

منابع و مدارک شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها از قرن اول را بیان فرمایید؟

پاسخ:

کتاب «سلیم ابن قیس» مال قرن اول است، مملو از این مطالب است. قضیه هجوم به خانه حضرت و شکستن دَر و آتش زدن دَر، این‌ها همه مربوط به همان قرن اول هجری است.

عمدهی اینها را مرحوم «سليم بن قيس» در کتابشان آورده‌اند و کتاب «سليم» هم كاملا مورد تأييد است و مشكلي ندارد.

آغاز بحث... (مشروعيت سنت)

علاء الدين خازن از آقای «شافعی» آورده:

«إن كل فريضة فرضها الله في كتابه كالحج والصلاة والزكاة لولا بيان رسول الله صلى الله عليه وسلم لها»

...اگر بيان پیغمبر نبود

«ما كنا نعرف كيف نأتيها»

نمی‌دانستیم چطور حج به جا بیاوریم، نماز به جا بیاوریم، زکات به جا بیاوریم.

«ولا كان يمكننا أداء شيء من العبادات»

نمی‌توانیستیم هیچ عبادتی را انجام بدهیم.

«وإذا كان الرسول صلى الله عليه وسلم بهذه المنزلة الشريفة كانت طاعته على الحقيقة طاعة لله»

و وقتی رسول خدا صلوات الله عليه و آله چنین منزلت و جایگاهی دارد حقیقتاً طاعت او، طاعت خدای عالم است.

تفسیر الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل؛ اسم المؤلف: علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم البغدادي الشهير بالخازن الوفاة: 741هـ دار النشر: دار الفكر - بيروت / لبنان - 1399هـ

1979م، الطبعة: بدون، تحقيق: بدون، ج 1، ص 563.

خیلی حرف قشنگی است و آن هم از «شافعی» که به عنوان یک امام و یک مذهب مطرح است. این مطلب را «خازن علاء الدین متوفای 741 ه ق» در کتاب «تفسیر خازن» خودش جلد 1، ص 563 آورده است.

در روایات ما هم هست امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید: " اگر سنت پیغمبر را کنار بگذاریم ما دو رکعت نماز نمی‌توانیم بخوانیم. " نمی‌دانیم نماز صبح چند رکعت است، نماز ظهر و عصر چند رکعت است و نماز مغرب و عشا چند رکعت است.

ولی امثال آقای «درایتی» و... عقل‌شان را به شیطان اجاره داده‌اند، می‌گویند ما همین‌طوری سینه به سینه به گوش‌مان رسیده که نماز صبح را باید این‌طوری بخوانیم. در نزد این‌ها سنت حجت نیست؛ ولی نقل سینه به سینه حجت می‌شود!

دیگر چه کار باید کرد؟ عاقلان دانند! اینکه می‌گویند سینه به سینه رسیده، ما سوال می‌کنیم آن سینه اول از کجا رسیده است؟ سینه ی اول خواب نما شدند، یا عمل پیغمبر بوده است؟

اگر خواب نما شدند، سینه به سینه ای که خواب نما شده باشند از روی هوای نفس باشد دیگر ارزشی ندارد. اگر سینه به سینه، سینه‌ی اولی که این‌طور نما خواندن دستور رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله) بوده کاملاً واضح و روشن است.

« بَدْرُ الدِّينِ زَرْكَشِي » در کتاب «بحر المحيط» خودش که در اصول الفقه است، در جلد 3 آورده است. «ابن حِبَّان» در «صحيح» خودش عبارتی دارد. یعنی « زَرْكَشِي » از «ابن حِبَّان» نقل می‌کند و بعد یک مطلبی از «شافعی» می‌آورد و می‌گوید «ابن حِبَّان» در «صحيح» خودش در قول رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً»

پیام من را به دیگران برسانید ولو یک آیه باشد.

«فیه دَلَالَةٌ عَلٰی اَنَّ السُّنَّةَ يُقَالُ فِیْهَا اٰیٌ»

این دلالت می‌کند بر اینکه به سنت هم آیه گفته می‌شود.

صحیح ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التمیمی، أبو حاتم،
الدارمی، البُسْتِیَّ (المتوفی: 354هـ)، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بیروت، ط الأولى،
1408 هـ - 1988 م، ج 14، ص 149.

حالا مراد رسول اکرم (صلوات الله علیه وآله وسلم) چه است که فرموده «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً»، مراد ایشان
واقعا این آیات قرآن است که ظاهر قضیه نشان می‌دهد، این آیات قرآن را به گوش دیگران برسانید ولو
یک آیه هم باشد.

اینکه ما بگوییم به سنت هم آیه گفته می‌شود به نظر من یک مقداری مستبعد است الا اینکه ما بگوییم:
«بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً»، ولو یک نشانه بگیریم آیه مصطلح نگیریم آن یک بحث دیگری می‌شود و سنت هم
یک نشانه‌ی است. ولی اینکه ما سنت را مثل آیه قرآن تلقی کنیم خیلی سخت است.

«رَزَكِيَّ» در ادامه می‌نویسد «شافعی» در کتاب رساله اش، در «باب فرض طاعة الرسول» همین تعبیر را
دارد

لَوْلَا بَيَانُ الرَّسُولِ مَا كُنَّا نَعْرِفُ كَيْفَ نَأْتِيهَا، وَلَا كَانَ يُمَكِّنُنَا أَدَاءَ شَيْءٍ مِنَ الْعِبَادَاتِ

اگر سنت نبود ما نمی‌دانستیم چگونه عبادات و واجبات را بجا آوریم

«وَقَالَ الشَّافِعِيُّ فِي "الرِّسَالَةِ" فِي بَابِ فَرَضِ طَاعَةِ الرَّسُولِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: قَالَ تَعَالَى: {مَنْ
يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ} [النساء: 80] وَكُلُّ فَرِيضَةٍ فَرَضَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ كَالْحَجِّ وَالصَّلَاةِ
وَالزَّكَاةِ لَوْلَا بَيَانُ الرَّسُولِ مَا كُنَّا نَعْرِفُ كَيْفَ نَأْتِيهَا، وَلَا كَانَ يُمَكِّنُنَا أَدَاءَ شَيْءٍ مِنَ الْعِبَادَاتِ، وَإِذَا كَانَ
الرَّسُولُ مِنَ الشَّرِيعَةِ بِهَذِهِ الْمَنْزِلَةِ كَانَتْ طَاعَتُهُ عَلَى الْحَقِيقَةِ طَاعَةً لِلَّهِ.

البحر المحيط في أصول الفقه؛ اسم المؤلف: بدر الدين محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشي الوفاة:
794هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - 1421هـ - 2000م، الطبعة: الأولى، تحقيق:

ضبط نصوصه وخرج أحاديثه وعلق عليه: د. محمد محمد تامر، ج 3، ص 237

همان عباراتی را که ما از «خازن» آورده بودیم، «زَرَكَشِيّ» هم آورده. «خازن» متوفای 741 هق و «زَرَكَشِيّ» متوفای 794 است.

«ابن تیمیه حرّانی» یک مطالبی دارد عزیزان دقت بکنند این حرف ایشان خیلی حرف مهمی است.

« وَقَدْ أَمَرَ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ فِي نَحْوِ أَرْبَعِينَ مَوْضِعًا »

خدای عالم در حدود 40 جای قرآن دستور داده از پیغمبرش اطاعت کنند بعد همه اینها را می آورد:

كَقَوْلِهِ تَعَالَى: {قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رِسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ} وَقَوْلِهِ: {قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ} إِلَى قَوْلِهِ: {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ} إِلَى قَوْلِهِ: {أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا} {فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ} إِلَى قَوْلِهِ: {وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا
الرُّسُولَ} {وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا} {رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ
لَعْنًا كَبِيرًا} وَقَوْلُهُ تَعَالَى {وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا} {يَا
وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا} {لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ
خَذُولًا}»

این موارد را می‌آورد بعد از اینکه، این آیات را می‌آورد می‌گوید:

«فَهَذِهِ النُّصُوصُ تُوجِبُ اتِّبَاعَ الرَّسُولِ وَإِنْ لَمْ نَجِدْ مَا قَالَهُ مَنْصُوصًا بِعَيْنِهِ فِي الْكِتَابِ كَمَا أَنَّ تِلْكَ
الْآيَاتِ تُوجِبُ اتِّبَاعَ الْكِتَابِ فَهَذِهِ النُّصُوصُ تُوجِبُ اتِّبَاعَ الرَّسُولِ فَعَلَيْنَا أَنْ نَتَّبِعَ الْكِتَابَ وَعَلَيْنَا أَنْ نَتَّبِعَ
الرُّسُولَ وَاتَّبَاعُ أَحَدِهِمَا هُوَ اتِّبَاعُ الْآخَرِ؛ فَإِنَّ الرَّسُولَ بَلَّغَ الْكِتَابَ وَالْكِتَابُ أَمْرٌ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ. وَلَا
يَخْتَلِفُ الْكِتَابُ وَالرُّسُولُ الْبَتَّةَ كَمَا لَا يُخَالِفُ الْكِتَابُ بَعْضُهُ بَعْضًا قَالَ تَعَالَى: {وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ
لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا} .»

مجموع الفتاوى، ابن تیمیة الحرانی تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (المتوفى: 728هـ)
،تحقیق:عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، مدینه،
1416هـ/1995م مکتبه اهل بیت و یک چاپ شامله ؛ ج19 ص84-83.

« فَهَذِهِ النُّصُوصُ تُوجِبُ اتِّبَاعَ الرَّسُولِ »

این نصوصی که ما آوردیم متابعت از پیغمبر را بر ما واجب می‌کند.

« وَإِنْ لَمْ نَجِدْ مَا قَالَهُ مَنْصُوصًا بِعَيْنِهِ فِي الْكِتَابِ »

اگر چه، آن چه که پیغمبر گفته منصوص در کتاب پیدا نکنیم!

فرمایش پیغمبر اکرم یک دفعه ریشه قرآنی دارد:

{وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكَّاعِينَ} سورة بقره (2): آیه 43

و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)!

یک دفعه اصلاً نشانه ای از این فرمایش پیغمبر در قرآن نیست خیلی از مسائل وجود دارد، که در قرآن نیست. واجبات نماز، مستحبات نماز یا بعضی از مسائل دیگر؛ از طهارت تا دیات ما 500 تا آیه داریم بقیه همه گفتار نبی مکرم است. غالب این گفتار هم ریشه قرآنی ندارد.

«کَمَا أَنْ تَلِكَ الْآيَاتِ تَوْجِبُ اتِّبَاعَ الْكِتَابِ»

همان طوری که این آیات به ما می‌رساند ما باید از کتاب قرآن تبعیت کنیم!

« وَإِنْ لَمْ نَجِدْ مَا قَالَهُ مَنْصُوصًا بِعَيْنِهِ فِي الْكِتَابِ كَمَا أَنَّ تِلْكَ الْآيَاتِ تُوجِبُ اتِّبَاعَ الْكِتَابِ »

اگر یک حکمی در قرآن آمده باشد، پیغمبر اکرم درباره آن یک روایت هم بیان نکرده باشد بر ما واجب است از کتاب تبعیت کنیم.

متابعت از کتاب، مستلزم این نیست که پیغمبر در آن زمینه فرمایش و بیانی داشته باشد نه، قرآن حجت است و سنت هم حجت است. هر کدام حجت‌شان مستقل از یکدیگر است.

این طوری نیست که حجیت سنت پیغمبر حتماً ریشه قرآنی داشته باشد، حجیت کتاب الله یک دلیل سنتی هم داشته باشد. نکته زیبایی خیلی خوب است که این اندازه عقلش به این‌جا رسیده، بد نیست.

« وَعَلَيْنَا أَنْ نَتَّبِعَ الرَّسُولَ وَاتِّبَاعُ أَحَدِهِمَا هُوَ اتِّبَاعُ الْآخَرِ؛ فَإِنَّ الرَّسُولَ بَلَّغَ الْكِتَابِ وَالْكِتَابُ أَمْرٌ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ..»

ما همین‌جا از ابن تیمیه سوال می‌کنیم که در مجموع فتاوايش گفته « لَا يَخْتَلِفُ الْكِتَابُ وَالرَّسُولُ الْبَتَّةَ »

اینکه ما به صورت یک فرضیه و در عالم ثبوت بگوییم کتاب با رسول، با همدیگر اختلاف ندارند؛ هیچ شکی در آن نیست؛ ولی در عالم اثبات، گفتار پیغمبر را که ما بخواهیم بگیریم از کجا بگیریم که اطمینان برای ما بیاید که این گفتار، گفتار پیغمبر است، دروغ به پیغمبر نبستند؟

خود پیغمبر می فرماید:

«قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكَذَابَةُ»

دروغگوها زیاد شدند

«فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 1، ص 62

این همه دروغ به پیغمبر بستند، این همه مطالب نادرست به پیغمبر بستند. آقای «ابن تیمیه» اینها را می‌خواهد چه کار کنید؟ این همه دروغ، همین آقای «بخاری» می‌گوید من کتابم را از میان 600 هزار روایت انتخاب کردم.

بحث اینکه سخن پیغمبر با قرآن هیچ اختلافی ندارد در آن هیچ شک و شبهه‌ی نیست ولی «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنه» جلد 7، صفحه 312 می‌گوید:

« وَقَدْ وَضَعَ النَّاسُ أَحَادِيثَ كَثِيرَةً مَكْذُوبَةً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْأُصُولِ، وَالْأَحْكَامِ، وَالرُّهْدِ، وَالْفَضَائِلِ، وَوَضَعُوا كَثِيرًا مِنْ فَضَائِلِ الْخُلَفَاءِ الْأَرْبَعَةِ، وَفَضَائِلِ مُعَاوِيَةَ. »

منهاج السنة النبوية؛ اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: 728،

دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 7، ص 312

خود ایشان « وَقَدْ وَضَعَ النَّاسُ » می‌گوید ما از کجا بدانیم این روایاتی که آمده واقعا گفتار پیغمبر است؟ در «صحيح بخاری» شما ملاحظه می‌فرمایید «ابو هريره» روایتی نقل می‌کند می‌گوید:

«قال النبي صلى الله عليه وسلم»:

بعد می‌گویند:

«يا أبا هُرَيْرَةَ سَمِعْتَ هَذَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا، هَذَا مِنْ كَيْسِ أَبِي هُرَيْرَةَ!»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج5، ص2048، باب وَجُوبِ النَّفَقَةِ عَلَى الْآهْلِ وَالْعِيَالِ، ح5040

ابو هريره ای که صحابی پیغمبر است و شما می‌گویید گفتار صحابی پیغمبر برای ما حجت است. و هر چه باشند مورد تأیید ما است.

آقای «ابن تیمیه»! از کجا معلوم این که الان شما دارید نماز می‌خوانید در نماز «بسم الله» نمی‌گویید «آمین» می‌گویید، سوره قرآن نمی‌خوانید تکتف هم دارید، سلام را قبل از تشهد می‌دهید، از کجا معلوم کسی از شما سوال کند آیا این کلام پیغمبر و سنت پیغمبر است، یا سنتی است که صحابه از قول پیغمبر نقل کرده‌اند؟

عبارت‌هایی که آقایان دارند الی ماشاء الله است؛ یعنی یک مورد و دو مورد در این قضایا نیست. «یحیی ابن معین» می‌گوید:

« وَأَيُّ صَاحِبِ حَدِيثٍ لَا يَكْتُبُ عَنْ كَذَابٍ أَلْفَ حَدِيثٍ؟ »

شما بگویید کدام محدثی است که از کذاب، هزار حدیث نقل نکرده باشد؟

تاریخ بغداد؛ اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: 463، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت، ج1، ص43

این‌ها را آقایان دارند. « شُعْبَةُ (بْنِ الْحَجَّاجِ بْنِ الْوَرْدِ الْأَزْدِيِّ الْعَتَكِيِّ) » که به نظر برخی اهل سنت «امیر المومنین فی الحدیث» است می‌گوید:

« مَا أَعْلَمُ أَحَدًا فَتَّشَ الْحَدِيثَ كَتَفْنِيشِي، وَقَفْتُ عَلَى أَنَّ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِهِ كَذِبٌ »

الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع؛ اسم المؤلف: أحمد بن علي بن ثابت الخطيب البغدادي أبو بكر الوفاة: 463، دار النشر: مكتبة المعارف - الرياض - 1403، تحقيق: د. محمود الطحان، ج2،

ص295

آقای «ابن تیمیه» این‌ها را شما می‌خواهید چه کار کنید؟ ایشان می‌گوید:

« وَلَا يَخْتَلِفُ الْكِتَابُ وَالرَّسُولُ الْبَيِّنَةُ كَمَا لَا يَخَالِفُ الْكِتَابُ بَعْضُهُ بَعْضًا قَالَ تَعَالَى: {وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ

غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا} (نساء 82) »

این‌ها را مقایسه کردن شما نمی‌توانید؛ ولی شیعه می‌تواند؛ چون شیعه احادیثش را از اهل بیت گرفته اهل بیت هم عدل قرآن هستند بعد ایشان می‌گوید:

وَالْأَحَادِيثُ كَثِيرَةٌ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وُجُوبِ اتِّبَاعِ الْكِتَابِ وَفِي وُجُوبِ اتِّبَاعِ سُنَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَقَوْلِهِ: {لَا أُفِينُ أَحَدَكُمْ مُتَكِنًا عَلَى أَرِيكْتِهِ يَأْتِيهِ الْأَمْرُ مِنْ أَمْرِي مِمَّا أَمَرْتُ بِهِ أَوْ نَهَيْتُ عَنْهُ فَيَقُولُ: بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ هَذَا الْقُرْآنُ فَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَلَالٍ حَلَلْنَاهُ وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَرَامٍ حَرَّمْنَاهُ أَلَا وَإِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ أَلَا وَإِنَّهُ مِثْلُ الْقُرْآنِ أَوْ أَعْظَمُ} هَذَا الْحَدِيثُ فِي السَّنَنِ وَالْمَسَانِيدِ مَأْثُورٌ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عِدَّةِ جِهَاتٍ مِنْ حَدِيثِ أَبِي ثَعْلَبَةَ وَأَبِي رَافِعٍ وَأَبِي هُرَيْرَةَ وَغَيْرِهِمْ. «

مجموع الفتاوى، ابن تیمیه الحرانی تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحليم (المتوفى: 728هـ) تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، مدینه، 1416هـ/1995م مکتبه اهل بیت و یک چاپ شامله؛ ج19 ص84-85.

عزیزان خوب دقت کنند. می‌گوید:

(وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا)

و در این هنگام، شاهدهی از خانواده آن زن شهادت داد.

سوره یوسف (12): آیه 26

احادیث زیادی از پیغمبر داریم که متابعت از کتاب واجب است و همچنین احادیث زیادی داریم که متابعت از سنت پیغمبر واجب است. روایت آورده این روایت آبرو و حیثیت «ابن تیمیه» را بر باد داده است.

« كَقَوْلِهِ: لَا الْفَيْنِ أَحَدَكُمْ مُتَّكِنًا عَلَى أَرِيكَتِهِ »

نبینم یک کسی بر مسند خلافت و حکومت نشسته!

« يَأْتِيهِ الْأَمْرُ مِنْ أَمْرِي مِمَّا أَمَرْتُ بِهِ أَوْ نَهَيْتُ عَنْهُ »

کسی می‌آید حدیثی از من می‌گوید. می‌گوید پیغمبر این‌طوری امر کرده، پیغمبر این‌طوری نهی کرده!

« فَيَقُولُ: بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ هَذَا الْقُرْآنُ »

حرف پیغمبر را کنار بگذارید بین ما و بین شما این قرآن است.

« فَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَلَالٍ حَلَّلْنَاهُ وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَرَامٍ حَرَّمْنَاهُ »

هر چه ما در قرآن حلال پیدا کنیم، عمل می‌کنیم از حرام اجتناب می‌کنیم.

« أَلَا وَإِنِّي أُوتِيْتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ »

خدا به من قرآن داده و مثل قرآن هم با قرآن است که همان سنت است.

« أَلَا وَإِنَّهُ مِثْلُ الْقُرْآنِ أَوْ أَعْظَمُ »

این سنت یا مثل قرآن است یا اعظم است.

«هَذَا الْحَدِيثُ فِي السُّنَنِ وَالْمَسَانِيدِ مَأْثُورٌ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عِدَّةِ جِهَاتٍ مِنْ حَدِيثِ أَبِي تَعْلَبَةَ وَأَبِي زَافِعٍ وَأَبِي هُرَيْرَةَ وَغَيْرِهِمْ»

آقای «ابن تیمیه» شما می‌فرمایید که پیغمبر این‌طوری فرموده، این عبارتی که خود شماها از خلیفه اول نقل کرده‌اید چه کار کنیم؟ به ما که مربوط نمی‌شود!

ذهبی در کتاب «تذکره الحفاظ» جلد 1، صفحه 9، از «ابن ابی ملیکة» ("مُجْمَعٌ عَلَى ثِقَّتِهِ" که «قاضی القضاة» زمان آقای «عبدالله بن زبیر» بود) عین همان فرمایش پیغمبر را از زبان خلیفه اول می‌گوید:

«أَنَّ الصِّدِّيقَ جَمَعَ النَّاسَ بَعْدَ وَفَاةِ نَبِيِّهِمْ فَقَالَ: «إِنَّكُمْ تُحَدِّثُونَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَادِيثَ تَخْتَلِفُونَ فِيهَا وَالنَّاسُ بَعْدَكُمْ أَشَدُّ اخْتِلَافًا. فَلَا تُحَدِّثُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ شَيْئًا. فَمَنْ سَأَلَكُمْ فَقُولُوا: بَيَّنَّا وَبَيَّنَّا كِتَابَ اللَّهِ. فَاسْتَجِلُّوا حَلَالَهُ وَحَرِّمُوا حَرَامَهُ»

بعد ایشان می‌گوید:

«وَلَمْ يَقُلْ حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ كَمَا تَقُولُهُ الْحَوَارِجُ»

«حسبنا كتاب الله» نگفت!

«كَمَا تَقُولُهُ الْحَوَارِجُ»

همچنانکه خوارج «حسبنا كتاب الله» می‌گویند!

تذکره الحفاظ؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي الوفاة: 748، دار الكتب العلمية بيروت-لبنان، ط: الأولى، (شامله) ج 1، ص 9.

یا اولین بار خلیفه دوم «حسبنا كتاب الله» گفت؟ آقای «ابن تیمیه» این را چه کار کنیم؟ ابوبکر می‌گوید: «بَيَّنَّا وَبَيَّنَّا كِتَابَ اللَّهِ»؛ روایت پیغمبر را کنار بیاندازید هر چه در کتاب خدا است: «فَاسْتَجِلُّوا حَلَالَهُ وَحَرِّمُوا حَرَامَهُ»!

از آن طرف هم خلیفه دوم به صراحت « حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ » می‌گوید چه کار کنیم؟ این عبارت آقای خلیفه دوم را در کتاب «صحيح بخارى» ببینید دارد:

« قَالَ عُمَرُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ غَلَبَهُ الْوَجَعُ، وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ، حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ »

کتاب ما هست لازم نیست برای سخن پیغمبر اهمیتی قائل بشویم!

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، ط: الأولى، 1422هـ تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر.(شامله)، ج6، ص9، ح 4432 .

«حسبنا كتاب الله» از آقاي عمر در «صحيح مسلم» با اين تعبير است:

«فَقَالَ عُمَرُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج3، ص1259، ح1637

آقاي «ذهبي» شما می‌گویند خلیفه اول گفت:

«بيننا وبينكم كتاب الله... ولم يقل حسبنا كتاب الله»

«حسبنا كتاب الله» نگفت. «حسبنا كتاب الله» را عمر گفته چه کار بکنیم؟ آیا با تمام اين قضایا شما باز می‌فرمایید كتاب الله با سنت پیغمبر با هم اختلاف ندارند؟ همین روایتی که شما آوردید پیغمبر فرمود نیابم کسی بر مسند خلافت نشسته که:

«فيقول بيننا وبينكم هذا القرآن، فما وجدنا فيه من حلال حللناه وما وجدنا فيه من حرام حرماناه»

این عبارت خلیفه اول شما است چه کارش کنیم؟ این‌ها با این بساطی که درست کردند و برای صحابه آورده‌اند و اهل‌بیت را کنار گذاشته‌اند، این جز بیراهه رفتن و جز با سنت پیغمبر مخالفت کردن چیز دیگری نیست.

قضیه به قدری واضح و روشن است که مثل آفتاب در وسط روز است. الان ما دو تا عبارت از «ابن تیمیه» آوردیم و تحلیل کردیم. یک بچه دبستانی هم این تحلیل و استدلال را می‌فهمد دیگر بحث علمی هم نیست که ما بگوییم بحث علمی و فلسفی است، نه یک بحث ساده ساده است که عوام و غیر عوام همه می‌فهمند.

بعد ایشان می‌گوید:

« وَفِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْهُ مِنْ حَدِيثِ جَابِرٍ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةِ الْوَدَاعِ: (وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ: كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى) »

مجموع الفتاوى، ابن تیمیة الحرانی تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم (المتوفى: 728هـ) ،تحقيق:عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، مدینه، 1416هـ/1995م مکتبه اهل بیت و یک چاپ شامله ؛ ج19 ص85.

آقای «ابن تیمیه» چقدر تو خائن هستی؟ در «خطبة الوداع» گفت: «وقد تركت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعده» فقط: «كتاب الله» گفت؟ یانه «عترتی و اهلبیتی» را هم آورد؟

در کتاب «جامع ترمذی» با تحقیق آقای «البانی» چاپ «عربستان سعودی»، «مملكة العربية السعودية ریاض»، «البانی» هم می‌گوید «صحيح» حدیث 3788.

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا. »

«هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ»

الجامع الصحيح سنن الترمذي؛ المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي، الناشر: دار

إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآباني، ج5، ص663، ح3788

این‌ها را ما چه کار کنیم؟ در «مجمع الزوائد هیثمی» هم همین‌طور، در «مسند احمد» هم همین‌طور آورده. به این شکل که شما آقای «ابن تیمیه» فقط کتاب الله گفتید صحیح نیست.

در کتاب «الاحادیث الصحیحه» جلد 4، صفحه 260 دارد:

« قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فِينَا خَطِيبًا، بِمَاءٍ يُدْعَى (خُمًّا)»

(خُمًّا) همان «غدیر خم» است.

آقای ابن تیمیه! پیغمبر اکرم می‌فرماید:

« وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ، أُولَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ، فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ (مَنْ اسْتَمْسَكَ بِهِ وَأَخَذَ بِهِ كَانَ عَلَى

الهدى، ومن أخطأه ضل)، فخذوا بكتاب الله، واستمسكوا به - فحث على كتاب الله ورغب فيه، ثم

قال: - وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي»

سلسله الأحادیث الصحیحه وشيء من فقها وفوائدها ، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن

الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420هـ)، مكتبة المعارف للنشر

والتوزيع، الرياض، ط اولی لمكتبة المعارف؛ ج 4، ص 365.

«صحيح مسلم» هم دارد چرا شما این‌طوری بپرايه می‌روید؟ این حدیث «غدیر» است بفرماید:

« وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ: أُولَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ، وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ " فَحَثَّ

عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَغَّبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: «وَأَهْلُ بَيْتِي أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي،

أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي» »

صحیح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج4، ص1873، ح2408

ابن تیمیه می‌گوید در «حجة الوداع» گفت:

« وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ: كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى »

ولی «اهل‌بیتی» و «عترتی» نباید این‌جا بیاید چون با عقائد آن‌ها همخوانی ندارد!

« وَفِي الصَّحِيحِ عَنِ {عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أُوْفَى أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: هَلْ أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: لَا } »

پیغمبر، آخرین لحظه وصیت کرد؟ گفت نه وصیت نکرد.

« قِيلَ: فَكَيْفَ كَتَبَهُ عَلَى النَّاسِ الْوَصِيَّةَ؟ »

اگر پیغمبر وصیت نکرد پس چطور به مردم گفت هنگام مرگ شما وصیت کنید؟

پیغمبر خودش وصیت نکرده به ما گفته که شما موقع مرگ وصیت کنید قرآن هم می‌گوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ارْتَبْتُمْ لَا نُشْئِرِي بِهِ تَمَنَّأَ وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِيَّا إِذَا لَمِنَ الْأَيْمِينِ) **سوره مائده (5): آیه 106.**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبید؛ یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید)، دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آنها شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می‌دارید تا سوگند یاد کنند که: ما حاضر نیستیم

حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم،
که از گناهکاران خواهیم بود!

«أَوْصَى بِكِتَابِ اللَّهِ»

پیغمبر وصیت به کتاب خدا کرد.

مجموع الفتاوی، ابن تیمیة الحرانی تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (المتوفى: 728هـ)
،تحقیق:عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، مدینه،
1416هـ/1995م مکتبه اهل بیت و یک چاپ شامله ؛ ج19 ص85.

این جا می‌گوید وصیت نکرد، این جا می‌گوید «اوصی بکتاب الله» این‌ها را چه کار کنیم؟ در کتاب «صحیح
بخاری» است.

«هَجَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ دَعُونِي فَأَلَّذِي أَنَا فِيهِ خَيْرٌ مِمَّا تَدْعُونِي إِلَيْهِ وَأَوْصَى عِنْدَ
مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ»

سه مطلب را وصیت کرد.

یکی:

«أَخْرَجُوا الْمُشْرِكِينَ مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَأَجِيزُوا الْوَفْدَ بِنَحْوِ مَا كُنْتَ أُجِيزُهُمْ»

...افراد و گروه‌ها و هیأت‌های که می‌آیند از این‌ها پذیرائی کنید همان طوری که من پذیرائی کردم.

«وَتَسِيْتُ الثَّلَاثَةَ»

سومی را من فراموش کردم!

ای بر پدر دروغگو لعنت! ببینید این را چه کار باید کرد؟ این‌ها یکی دو جا نیست. چه کسی کلمه «تسیت
ثالثه» را از میان روایت آورده ما نمی‌دانیم عزیزان دقت کنند.

«حدثنا قَبِيصَةُ حَدَّثَنَا بِنُ عُبَيْنَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ الْأَخْوَلِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ بِنِ عَبَّاسٍ»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج3، ص1111، ح 288

حالا «نَسِيْتُ الثَّالِثَةَ» را «قَبِيصَةُ» می گوید، «ابْنُ عُبَيْنَةَ» می گوید، «سُلَيْمَانَ أَخْوَلِ» می گوید یا «سَعِيدِ ابْنِ جُبَيْرٍ» می گوید یا «ابن عباس» می گوید «نَسِيْتُ الثَّالِثَةَ»! ببینید این خیلی عجیب است.

ولی اینکه «ابن عباس» گفته باشد و اینها حذف کرده باشند «نَسِيْتُ الثَّالِثَةَ» به راویان قبل از «ابن عباس» برگردد ظاهراً احتمالش خیلی قوی است.

«وَسُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُفَسِّرُ الْقُرْآنَ كَمَا فَسَّرَتْ أَعْدَادَ الصَّلَوَاتِ وَقَدَّرَ الْقِرَاءَةَ فِيهَا وَالْجَهْرَ وَالْمَخَافَةَ وَكَمَا فَسَّرَتْ فَرَائِضَ الرِّكَاتِ وَنُصُبِهَا وَكَمَا فَسَّرَتْ الْمَنَاسِكَ وَقَدَّرَ الطَّوْفِ بِالْبَيْتِ وَالسَّعْيِ وَرَمِي الْجِمَارِ وَنَحْوِ ذَلِكَ.»

مجموع الفتاوى، ابن تیمیة الحرانی تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (المتوفى: 728هـ) ،تحقیق:عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، مدینه، 1416هـ/1995م مکتبه اهل بیت و یک چاپ شامله ؛ ج19 ص85.

سنت پیغمبر هم که قرآن را تفسیر کرده، زکات را تفسیر کرده اینکه در نماز قرائت چطور باشد چه موقع به جهر و چه موقع به اخفات بخوانیم؟ مناسک حج چطوری باشد؟ طواف چند تا باید باشد؟ سعی بین «صفا» و «مروه» چطوری باید باشد؟ «رمی جمرات» و ... چطوری باشد؟ اینها چیزی است که سنت آمده برای ما بیان کرده است.

مطالبی که نسبت به «ابن تیمیه» من آوردم اینها را در یک فایل قرار دهید که اینها خیلی از جاها به دردمان می خورد. اینها بحث های کلیدی هستند اینها را به همدیگر ارتباط دادن، خیلی از جاها مشکلات ما را حل می کند.

ان شاء الله خدای عالم بر توفیقات همه عزیزان بیافزاید. خدا حافظ همه عزیزان و بزرگواران.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»